

فلسطین را شدیداً محکوم کرده و خواستار اقدام عاجل جهت خاتمه دادن به جنگ غزه شده‌اند. عفو بین‌الملل، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیسیون مقام زن ملل متحد و ده‌ها نهاد حقوق بشری دیگر از جمله سازوکارهایی بوده‌اند که قویاً جنایات صهیونیست‌ها در نوار غزه را محکوم کرده‌اند. با این حال، جدی‌ترین اقدام قانونی علیه اسرائیل در بحبوحه جنگ غزه، مرتبط با شکایت دولت آفریقای جنوبی از رژیم اشغالگر قدس به دیوان بین‌المللی دادگستری به دلیل ارتکاب این رژیم به نسل‌کشی در نوار غزه بوده است. این دیوان یک حکم موقت را به نسل‌کشی در نوار غزه متهم کرده است. با این حال، در جریان جنگ غزه، آمریکایی‌ها کوچک‌ترین توجهی به اصول حقوق بین‌الملل نداشته‌اند و آن را در نقطه مقابل منافع راهبردی خود در زمینه حمایت از صهیونیست‌ها دیده‌اند. جالب اینکه متو میلر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در چندین نوبت اعلام کرده آمریکا هنوز شواهدی دال بر نسل‌کشی و کشتار مردم غزه از سوی اسرائیل مشاهده نکرده است (!) جالب‌تر اینکه وی گفته البته آمریکا در این رابطه تحقیقات جامعی هم انجام نداده است! این در حالی است که درباره جنگ اوکراین، سیلی از تحریم‌ها با مهندسی آمریکا علیه روسیه وضع شده و البته آمریکایی‌ها به هر ظرفیت قانونی در محیط بین‌المللی متوسل شده و سعی در اعمال فشار علیه روسیه داشته‌اند؛ مساله‌ای که سبب شده بسیاری رویکردهای گزینشی آمریکا را در زمینه تعهد به حقوق بین‌الملل و انفعال آن را در برابر یک نسل‌کشی صریح و عیان در نوار غزه مورد انتقاد قرار دهند.

■ **عمده پیامدهای تناقضات گفتمانی آمریکا در بحبوحه جنگ غزه چیست؟**

۱- **تضعیف قدرت نرم آمریکایی**  
آمریکا چند دهه است با استفاده از ابزارهای قدرت نرم خود و به طور خاص قدرت اقناعی‌اش توانسته همزبانی جهانی خود را تداوم بخشد؛ قدرت نرمی که سعی دارد در ابعاد گوناگون، تصویری متعالی از آمریکا را برای افکار عمومی جهان برسازی کند. این در حالی است که تناقضات و رویکردهای خاص دولت آمریکا به جنگ غزه، تا حد زیادی ماهیت انتخابی و منفعت‌محورانه اقدامات و سیاست‌های بین‌المللی واشنگتن را برای افکار عمومی جهان و به طور خاص افکار عمومی آمریکا آشکار کرد؛ موضوعی که اصلی‌ترین نمود خود را در برگزایی راهپیمایی‌های بی‌سابقه ضد صهیونیستی در آمریکا و پایتخت‌های مهم اروپایی به نمایش گذاشته است و گویی کارزارهای گسترده رسانه‌ای و تبلیغاتی غرب در این رابطه نیز دیگر راهگشا نیست.

ادامه در صفحه ۱۶

بر اساس گزارش‌های مستند، آمریکایی‌ها میزان کمک‌های مالی خود به رژیم اسرائیل را در بازه زمانی ۵ ماه اخیر که از جنگ غزه می‌گذرد، به ۳ برابر حالت عادی کمک‌های سالانه‌شان به این رژیم افزایش داده‌اند (حدود ۱۵ میلیارد دلار). در بعد تسلیحاتی نیز گزارش‌های مختلف و متنوعی از ارسال سیل قابل توجهی از تسلیحات از سوی آمریکا برای رژیم اشغالگر قدس منتشر شده و همچنان نیز می‌شود؛ موضوعی که نزد افکار عمومی جهان، آمریکا را به شریک اصلی جنایات صهیونیست‌ها در نوار غزه تبدیل کرده است. البته حمایت‌های واشنگتن از نقض فاحش حقوق مردم فلسطین صرفاً در ابعاد تسلیحاتی و مادی خلاصه نمی‌شود، بلکه در بعد سیاسی نیز آمریکا همسو با منافع صهیونیست‌ها، بارها و بارها قطعنامه‌های مرتبط با ضرورت برقراری آتش‌بس در نوار غزه را وتو کرده است. نکته جالب اینکه سکوت معنادار آمریکا درباره نقض حقوق مردم فلسطین، با های و هوی و جنجال‌های تبلیغاتی و سیاسی گسترده آن در بحبوحه جنگ اوکراین در تضاد آشکار است. در این راستا، دولت آمریکا از ابتدای جنگ اوکراین تاکنون بارها و بارها روسیه را به نقض صریح حقوق بشر و ارتکاب جنایات متهم کرده است.

به نحوی جدی مخدوش شده است. آمریکایی‌ها در شرایط کنونی از تعهد خود به تشکیل ۲ دولت مستقل فلسطینی و اسرائیلی خبر می‌دهند و حتی به ظاهر اعلام می‌کنند به اسرائیل نیز در این رابطه فشار وارد می‌کنند، با این حال، واقعیت‌های میدانی کاملاً در نقطه مقابل این قبیل ادعاهای آمریکایی‌ها قرار دارد. در این رابطه، آمریکا به طور خاص با ۲ سوال بزرگ روبه‌رو است: اولاً، دلیل ۳ دهه سکوت آن درباره تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی که برونداد مذاکرات اسلو در دهه ۱۹۹۰ میلادی بود، چه بوده است و چرا جهان اکنون باید باور کند واشنگتن در ادعاهای جدید خود در این رابطه جدی است؟ دوم اینکه اگر آمریکایی‌ها واقعا به دنبال تشکیل دولت فلسطینی هستند، چرا در حال ایجاد زیرساخت‌هایی در نوار غزه نظیر احداث یک بندر در سواحل غزه هستند که بیش از همه همراهی آن با وطنه‌های اسرائیل جهت اشغال نوار غزه را تداعی می‌کند؟ جالب اینکه اخیراً اسرائیل اعلام کرده یک کریدر زمینی که نوار غزه را به ۲ نیمه تقسیم می‌کند و اراضی اشغالی را به ساحل غزه متصل می‌کند نیز ایجاد کرده؛ موضوعی که از نوعی تقسیم کار میان تل‌آویو و واشنگتن درباره آینده معادلات حکمرانی در نوار غزه خبر می‌دهد. بگذریم که اساساً آمریکایی‌ها هیچ اشاره‌ای به اراده و نظر مردم غزه درباره آینده سیاسی‌شان ندارند و صرفاً در این رابطه دست به کلی‌گویی می‌زنند و اشاره‌ای نمی‌کنند که نوار غزه و کلیت سرزمین فلسطین تحت اشغال و تجاوز صهیونیست‌ها قرار گرفته و متجاوز باید محکوم شود. در نقطه مقابل این موضع، با گذشت بیش از ۲ سال از جنگ اوکراین، آمریکایی‌ها هر حمایتی را که بتوان تصور کرد از اوکراین انجام داده‌اند و آن را به پشتیبانی از روند‌های دموکراتیک و دموکراسی در اوکراین در مقابل آنچه اقتدارگرایی روسی می‌خوانند نسبت داده و می‌دهند. در جدیدترین اقدام شاهد بوده‌ایم آمریکا با اعمال فشار بر سوییس همزمان با کاهش اعطای کمک‌های مادی غرب به اوکراین، زمینه را برای مصادره بیش از ۹ میلیارد دلار از دارایی‌های روسیه در سوییس و تخصیص آنها به اوکراین فراهم کرده است. البته آمریکایی‌ها میلیارد‌ها دلار پول و کمک تسلیحاتی نیز در اختیار اوکراین قرار داده‌اند و تاکید کرده‌اند جنگ اوکراین و روسیه را به اصطلاح باید جنگ میان اردوگاه دموکراسی و اقتدارگرایی دانست. سوالی که در این میان مطرح می‌شود این است: چرا آنها معادلات مد نظر دموکراتیک خود را چندین دهه است درباره مردم فلسطین مسکوت نگه داشته‌اند؛ موضوعی که در بحبوحه جنگ غزه جلوه‌های جدی‌تر و واضح‌تری هم به خود گرفته است.

۴- **تعهد به حقوق بین‌الملل**  
بسیاری از نهادهای حقوق بشری و قانونی در محیط بین‌المللی، از ابتدای جنگ غزه تاکنون، در گزارش‌ها و قطعنامه‌های مختلف خود، اقدامات صهیونیست‌ها علیه مردم

در حالی است که دولت آمریکا در بحبوحه جنگ غزه، نه تنها مانع کشته، مفقود و مجروح شدن بیش از ۱۰۰ هزار فلسطینی ساکن نوار غزه نشده، بلکه حتی خود به اصلی‌ترین حامی این روند تبدیل شده است. آمارهای رسمی از کشته شدن ۱۱ هزار کودک در جریان جنگ غزه خبر می‌دهد و البته به تازگی کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد نیز جنگ غزه را جنگ صریح صهیونیست‌ها علیه زنان فلسطینی اعلام و تاکید کرد اسرائیل روزانه ۶۳ زن فلسطینی را به شهادت می‌رساند. بر اساس گزارش‌های مستند، آمریکایی‌ها میزان کمک‌های مالی خود به رژیم اسرائیل را در بازه زمانی ۵ ماه اخیر که از جنگ غزه می‌گذرد، به ۳ برابر حالت عادی کمک‌های سالانه‌شان به این رژیم افزایش داده‌اند (حدود ۱۵ میلیارد دلار). در بعد تسلیحاتی نیز گزارش‌های مختلف و متنوعی از ارسال سیل قابل توجهی از تسلیحات از سوی آمریکا برای رژیم اشغالگر قدس منتشر شده و همچنان نیز می‌شود؛ موضوعی که نزد بسیاری از افکار عمومی جهان، آمریکا را به شریک اصلی جنایات صهیونیست‌ها در نوار غزه تبدیل کرده است. البته حمایت‌های واشنگتن از نقض فاحش حقوق مردم فلسطین صرفاً در ابعاد تسلیحاتی و مادی خلاصه نمی‌شود، بلکه در بعد سیاسی نیز آمریکا همسو با منافع صهیونیست‌ها، بارها و بارها قطعنامه‌های مرتبط با ضرورت برقراری آتش‌بس در نوار غزه را وتو کرده است. نکته جالب اینکه سکوت معنادار آمریکا درباره نقض حقوق مردم فلسطین، با های و هوی و جنجال‌های تبلیغاتی و سیاسی گسترده آن در بحبوحه جنگ اوکراین در تضاد آشکار بوده است. در این راستا، دولت آمریکا از ابتدای جنگ اوکراین تاکنون، بارها و بارها روسیه را به نقض صریح حقوق بشر و ارتکاب جنایات متهم کرده است. این در حالی است که واشنگتن در برابر مرگبارترین جنگ قرن بیستم و یکم علیه غیرنظامیان که همان جنگ غزه است (از منظر نرخ کشتار غیرنظامیان)، سکوت محض پیشه کرده است.

۲- **آزادی بیان و رسانه**  
تاکنون بیش از ۱۳۰ خبرنگار در نوار غزه توسط صهیونیست‌ها به شهادت رسیده‌اند و البته بسیاری از دفاتر خبری در این منطقه نیز تخریب شده است. جالب اینکه برخی پرسنل رسانه‌های خبری در نوار غزه به طور مستقیم هدف شکنجه‌ها و اقدامات غیرانسانی صهیونیست‌ها نیز قرار گرفته‌اند. شاید عینی‌ترین جلوه از این موضوع را بتوان درباره خبرنگار پایگاه خبری «العربی الجدید» مشاهده کرد که نظامیان صهیونیست وی را در هوای سرد برهنه و همراه با شمار دیگری از مردان فلسطینی، به مکانی نامعلوم منتقل کردند. درباره تمام این مسائل نیز موضع واشنگتن در رابطه با مخدوش شدن آزادی بیان و رسانه، ابراز تاسف‌های ظاهری و نمایشی بوده است. حال آنکه درباره جنگ اوکراین، شاهد بوده‌ایم که آمریکا و طیف متحدان غربی آن، به نحو گسترده‌ای اقدام به تحریم رسانه‌های روسی و مسدود کردن و حذف آنها از پلتفرم‌های پخش بین‌المللی کرده‌اند و استدلال اصلی آنها در این زمینه نیز این بوده است که چون روسیه به اوکراین حمله کرده و نقض حقوق مردم این کشور را در دستور کار دارد، پس باید صدای آن نیز سانسور شود. البته این استدلال در بسیاری از بنیان‌های ابتدایی خود نظیر اینکه اساساً ریشه‌های آغاز جنگ اوکراین چه بوده است (توسعه ناتو به شرق و تهدید روسیه)، با ضعف‌های جدی همراه است. حتی اگر بر اساس همین استدلال‌ها نیز به مساله نگاه کنیم، آمریکا باید اقدامات مشابهی را علیه رسانه‌های صهیونیست در پیش می‌گرفت و حمایت فعال از خبرنگاران و رسانه‌های فلسطینی را در دستور کار قرار می‌داد. نکته قابل تامل دیگر اینکه آمریکایی‌ها همواره خود را به مثابه اصلی‌ترین حامی آزادی بیان در جهان معرفی کرده و می‌کنند. این در حالی است که تاکنون اعتراضات گسترده‌ای در شهرهای مختلف آمریکا نظیر واشنگتن، نیویورک و شیکاگو در حمایت از مردم فلسطین انجام گرفته و دولت آمریکا و البته برخی دیگر از دولت‌های غربی نظیر انگلیس، به صراحت این اعتراضات را ناشی از تحریکات جریان‌های اسلامی توصیف کرده‌اند. این در حالی است که همین دولت‌ها دست به هر اقدامی در بحبوحه جنگ اوکراین زده و می‌زنند تا افکار عمومی بین‌المللی را علیه روس‌ها تحریک کرده و به واکنش وادار کنند. جالب اینکه در بحبوحه جنگ غزه، بیش از ۸۰۰ نهاد حکمرانی محلی در آمریکا و شهرداری‌های این کشور، از مردم غزه حمایت و خواستار توقف فوری جنگ غزه شده‌اند؛ موضوعی که آن هم با بی‌اعتنایی دولت آمریکا روبه‌رو شده است.

۳- **دموکراسی**  
دولت آمریکا همواره سعی داشته اعتقاد راسخ خود به دموکراسی را نشان دهد با این حال در جنگ غزه، این مساله

